



فخیم زاده عقیده دارد راه برون رفت سینمای ایران از وضعیت کنونی و توجه به چرخه اقتصاد سینما توجه به سینمای پلیسی است، چون کشمکش در ذات این سینما است و این نوع آثار می تواند ذهن مخاطب را درگیر کند. البته اگر یاد گرفته شود فیلم هایی با این مضمون را خوب ساخت و از ولنگاری و شلختگی دست برداشته شود

فایده

ویژه نامه رادیو و تلویزیون روزنامه جام جم
شنبه ۲۰ مهر ۹۸ • شماره ۶۸۵

چشم انداز

۳

خاطرات و تجربیات کارگردان های پلیسی ساز

شیفتگان داستان دزد و پلیس

با وجود آن که گونه پلیسی و معمایی جزو گونه های پرتعداد در آثار سینمایی و تلویزیونی ایران و جهان است چند سالی می شود در ایران این ژانر مغفول مانده است و کمتر کارگردانی پیدا می شود به سمت ساخت چنین مجموعه هایی برود. با این وجود کارگردان هایی هستند که از دیرباز تاکنون با وجود ساخت فیلم و سریال های متنوع اما به کارگردان های پلیسی ساز شناخته می شوند.

هشدارهای پلیس، آینه عبرت، شلیک نهایی، خواب و بیدار، حس سوم، فوق سری، کلانتر، هوش سیاه، گشت ویژه و... نام سریال هایی است که تا حدودی در این زمینه توانسته اند موفق عمل کنند و برای همین می توان از آنها با عنوان سریال های ماندگار پلیسی یاد کرد. سریال هایی که ساخته کارگردان هایی مانند مهدی فخیم زاده، محسن شاه محمدی، مسعود آب پرور و مهرداد خوشبخت است.

آزاده باقری
روزنامه نگار

مهدی فخیم زاده؛ عاشق پلیس بازی!



مهدی فخیم زاده از آن کارگردان هایی است که به دلیل قرار گرفتن در مقابل دوربین چهره نام آشنایی است که بسیاری او را با نام های نمکی، اصغر کپک و... می شناسند. او با ساخت سریال های پلیسی مخصوصا خواب و بیدار و معرفی يك شخصیت زن منفی جدید به نام ناتاشا با بازی رویا نونهالی به خوبی توانست جایی در میان مخاطبان باز کند. او در گفت و گویی به این نکته اشاره کرده بود که یافتن ذائقه مخاطبان کار ساده ای نیست.

البته فخیم زاده به این موضوع نیز اشاره می کند که ضعف کارهای پلیسی یا هر کار دیگری لزوما کمبود امکانات ساخت نیست، بلکه نوع نگاه کارگردان به آن کار و نوع قصه نیز می تواند در خوب و بد شدن يك سریال اثرگذار باشد. او در گفت و گویی در همین زمینه گفته بود: «مهم این است که شما از امکاناتی که دارید چگونه استفاده می کنید. درست است در کارهای پلیسی که داشتم همیشه از همکاری نیروی انتظامی برخوردار بودم؛ اما اگر بلد نبودم از این امکانات استفاده کنم آنها را هدر می دادم و کار ضعیفی مانند کارهایی می ساختم که باعث خنده مخاطب شود.»

این کارگردان همچنین درباره تغییر نگاه کلیشه ای نسبت به شخصیت های مثبت که در گونه های پلیسی آن شخصیت مثبت پلیس است گفته بود: «به هر حال پلیس ها هم اشتباه می کنند؛ اما کسی به عمد خطا نمی کند. از طرف دیگر بدی و پلیدی و نامردی هم در جامعه وجود دارد؛ اما هنوز به درستی به آن پرداخته نشده است. از این رو در تمام مدت کار سعی کردم پلیسی خلق کنم که در عین دوست

داشتنی بودن در برخورد با خطا کارها خوش باشد.» به گفته فخیم زاده جذابیت گونه پلیسی به دو عامل مهم بر می گردد، نخست این که این گونه یکی از گونه های مهم در عرصه تولید سینما و تلویزیون است که برای مخاطب جذابیت زیادی دارد. چون این نوع فیلمنامه ها از تعلیق و کشمکش زیاد با استفاده از زمینه های پلیسی برخوردار است و همین مساله این نوع آثار را بسیار جذاب می کند. برای همین هم در حال حاضر حدود ۷۰ درصد از تولیدات سینما و تلویزیون آمریکا و اروپا یا درباره مسائل پلیسی است یا به مسائل پلیسی ربط دارد.

فخیم زاده عقیده دارد راه برون رفت سینمای ایران از وضعیت کنونی و توجه به چرخه اقتصاد سینما توجه به سینمای پلیسی است، چون کشمکش در ذات این سینما است و این نوع آثار می تواند ذهن مخاطب را درگیر کند. البته اگر یاد گرفته شود فیلم هایی با این مضمون را خوب ساخت و از ولنگاری و شلختگی دست برداشته شود.

مسعود آب پرور؛ ماجرای مجرم اینترنتی



زمانی که سریال هوش سیاه پخش شد با استقبال بسیاری مواجه شد و برای همین هم فصل دوم آن هم ساخته شد. سریالی که نگاه تازه ای به ژانر پلیسی داشت و نگاهی به جرایم رایانه ای شد. جرایمی که اتفاقا در سریال های ایرانی کمتر به آن پرداخته شده بود و برای همین هم جذابیت خود را در میان مخاطبان داشت. هرچند انتقادهایی به آن وارد بود؛ اما در هر صورت به عنوان نخستین سریالی که در این زمینه ساخته شده است می توان به آن نمره قبولی داد.



کارگردانی که می توان از او به عنوان نخستین کارگردان بعد از انقلاب یاد کرد که وارد این گونه شد و اتفاقا خیلی هم خوب توانست ذائقه مخاطب را شناخته و آنها را با خود همراه کند.

او یکی از اصلی ترین علت هایی که باعث شده است مخاطب به سمت موضوعات پلیسی گرایش پیدا کند را در این می داند که مردم ناشناخته ها را دوست دارند و دنیای تبهکاران یکی از همین ناشناخته هاست که در همه جای دنیا هم همین طور است. مردم در این گونه آثار پلیسی و جنایی چیزی را می بینند که خودشان هرگز قادر به تجربه آن نیستند. اما یکی از مهم ترین ضعف هایی که در حال حاضر شاهد آن هستیم سفارشی ساخته شدن این دست از سریال ها و مجموعه هاست که معمولا از سوی ناجا صورت می گیرد. اتفاقی که در نهایت موجب می شود سبک و سیاق سریال به سمتی برود که با ذائقه سفارش دهنده نه مخاطب و سازنده خوش بیاید. موضوعی که به باور بسیاری از کارگردانان می تواند ضربه ای اساسی به جذابیت، شخصیت پردازی و برخی موضوعاتی باشد. در حالی که اگر چنین نقطه ضعفی برداشته شود در این شرایط است که می توان امیدوار بود این دسته از سریال سازی ها هم بیشتر مورد توجه کارگردان های مختلف قرار می گیرد و هم مخاطب ها نسبت به آنها واکنش مثبت داشته و به عنوان مخاطب پر و پا قرص پای تلویزیون نشسته و آن را دنبال می کنند.

شاه محمدی نیز با تاکید بر این موضوع در گفت و گویی بیان کرده بود: «ناجا در اکثر تولیدات پلیسی مشارکت داشته و دارد و هزینه ساخت آن را می پردازد. نکته ای که در حال حاضر به این اتفاق منجر شده تغییر نگاه مدیران است. قبلا اگر کاری می ساختند، هدف متفاوتی پشت آن بود. بیشترین چشم اندازی که برای يك کار پلیسی در نظر گرفته می شد کاهش بزه کاری و آگاه کردن مردم برای پرهیز از آن بود. ولی الان موضوع فرق کرده و دغدغه مدیران بیشتر کسب رضایت مسؤولان بالادستی است و نقش جذابیت برای مخاطب در موفقیت يك اثر خیلی جدی گرفته نمی شود.»

این ساخته مسعود آب پرور است، تلاشش بر آن بوده تا در انتخاب بازیگر کلیشه ها را کنار بگذارد. برای همین وی در گفت و گویی گفته بود: «در انتخاب بازیگر کلیشه گریز هستم و در انتخابم از بازیگرانی که تاکنون نقش پلیس، دزد و... را بازی کرده اند کنار می گذارم؛ در هوش سیاه هم به دنبال بازیگری بودم که علاوه بر برخورداری از شرایط فیزیکی مناسب تاکنون این نقش پلیس را بازی نکرده باشد.» او حتی پارا فراتر گذاشته و تایویی را شکست که شاید تا قبل از آن کمتر پیش آمده بود و آن هم نشان دادن پلیس خلافکار است: «بخشی از این موضوع به ما که برنامه ساز و تولیدکننده هستیم مربوط می شود و بخشی دیگر نیز واقعا به ما مربوط نیست. یعنی به ناظران و دستگاه های گیرنده ای که وجود دارند، ربط پیدا می کند. به عنوان مثال فرض کنید تا چند سال قبل، پلیس در برابر وجود يك پلیس خلافکار یا کسی که خارج از چارچوب و قاعده کاری خود عمل می کند، به شدت مقاومت می کرد و از این ماجرا وحشت داشت اما اکنون این وسعت دید پدید آمده که يك پلیس خلافکار هم می تواند در بین پلیس های درستکار ما باشد.» این کارگردان همچنین تاکید دارد موضوعات بسیاری است که می توان از روی آنها فیلم های خوبی ساخت اما بی توجهی به این موضوعات موجب می شود تا همچنان فیلمی که ارزش سرمایه گذاری، ساخته شدن و تماشا داشته باشد، ساخته نشود.

محسن شاه محمدی؛ کلانتر را به خاطر بسپارید



سریال های شلیک نهایی، کلانتر ۲، ۳ و ۴ سریال های با ژانر پلیسی ساخته محسن شاه محمدی هستند.